



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# نگاهی به آثار اجتماعی جنگ

نویسنده: سید عبدالامیر نبوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نگاهی به آثار اجتماعی جنگ

نویسنده:

عبدالامیر نبوی

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... نگاهی به آثار اجتماعی جنگ
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... نگاهی به آثار اجتماعی جنگ
۱۰	..... پاورقی
۱۰	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نگاهی به آثار اجتماعی جنگ

## مشخصات کتاب

عنوان: نگاهی به آثار اجتماعی جنگ

نوع مقاله: اجتماعی

نویسنده: سید عبدالامیر نبوی

ناشر: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

موضوع: جنگ تحمیلی

## نگاهی به آثار اجتماعی جنگ

دانشجوی دوره دکترای رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران و کارشناس موسسه مطالعات خاورمیانه.

جنگ از جمله مهمترین رخدادهای مهم و سرنوشت ساز تاریخ هر ملتی به شمار می‌آید، این واقعه گاه، به منزله رویدادی افتخار آفرین و شکوهمند و گاه، به عنوان حادثه شوم و ملال آوری در حافظه جمعی ثبت می‌شود، گاه، نویدبخش آغاز دوره درخشان و گاه، نقطه شروع انحطاط و فروپاشی است. در طول جنگ، همه چیز معنا و مفهوم دیگری پیدا می‌کند، بخش‌های خاصی از خاطرات، باورها و اسطوره‌ها برجسته می‌شوند و حتی رفتارهایی از انسان‌ها بروز می‌کند که با شیوه حاکم بر زندگی در دوره صلح و آرامش قابل توضیح نیست. در این دوران، اولویت‌های زندگی تغییر می‌کند و منطق دیگری بر رفتار اعضای جامعه حاکم می‌شود. در این چارچوب، از همگان قناعت و فداکاری انتظار می‌رود. با توجه به وجود خطری بیرونی، اختلافات داخلی موقتاً کنار گذاشته می‌شوند و انسجام بی‌سابقه‌ای پدید می‌آید. و گاهی، همین انسجام مردمی و وجود خطر بیرونی، به دستاویزی برای سرکوب رقیبان یا محدود کردن انتقادات و اختلاف نظرهای موجود تبدیل می‌شود. هم چنین، طبق منطق این دوره، شرکت فعالانه در جنگ - به ویژه برای جوانان - نوعی ارزش و وظیفه به شمار می‌رود که اگر کسی از قبول آن سرباز زند، مرتکب ناهنجاری و مسئولیت ناپذیری شده است.

ویژگی‌های مزبور را می‌توان بدین صورت جمع بندی و بیان کرد که در زمان جنگ، هویت ملی به وضعیت دفاعی وارد می‌شود؛ زیرا، احساس می‌کند که تمامیت آن از سوی دیگری در معرض خطر قرار گرفته است. از این رو، چنان که گفته شد اولویت‌های جامعه دگرگون می‌شوند. در چنین شرایطی توقع آن است که همگان، در درجه نخست، خود را سرباز بدانند، اما با پایان جنگ، «آرام آرام از شدت دردها کاسته می‌شود و... جنگ به جرگه میراث مشترک ملت‌ها در بطن تاریخ می‌پیوندد.» [۱] به عبارت دیگر، هم چنان که انتظار می‌رود، هویت ملی از وضعیت دفاعی خارج می‌شود، بازسازی خرابی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و به تدریج، زندگی به حالت عادی قبل از جنگ برمی‌گردد. این تغییرات به معنای دگرگونی دیگر باره اولویت‌های جامعه و تنظیم رفتار در چارچوب منطق دوره صلح و آرامش است.

فارغ از هر گونه ارزش گذاری، جنگ پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت فراوانی به دنبال دارد؛ بنابراین، خطا نیست اگر بگوییم که جنگ نیز همانند پدیده انقلاب به کلافی می‌ماند که در طول زمان، باز و تبعات آن به مرور آشکار می‌شود، تبعاتی که لزوماً با اهداف و انگیزه‌های رزمندگان هماهنگ و همسو نیست.

روشن است که پیروزی یا شکست در جنگ سبب می‌شود که پیامدهای آن شکل ویژه‌ای پیدا کنند؛ حالات و احساسات طرف مغلوب به هیچ وجه به حالات و احساسات طرف غالب شبیه نیست. اگر جنگ با پیروزی

[ صفحه ۹۴ ]

همراه باشد، نمادهای خاصی که بیانگر و یادآور این کامیابی باشند، به میان می‌آیند و غالباً این موفقیت به عنوان دلیلی بر کیاست، شجاعت و حتی حقانیت حاکمان مطرح می‌شود، اما چنانچه جنگ با شکست و ناکامی پایان یابد، نوعی سرخوردگی و یأس بر طرف مغلوب مستولی و غالباً بذر کینه به منظور به دست آوردن فرصت مناسب برای انتقام کاشته می‌شود. در این زمان، می‌توان اتخاذ نوعی سازوکارهای جبرانی از سوی حکومت و جامعه را مشاهده کرد. این امر تا زمانی ادامه خواهد یافت که از نظر آنها، زمان مناسب برای جبران عملی شکست فرارسد. هم چنین، ممکن است که راه‌ها و عرصه‌های دیگری برای قدرت نمایی و جبران ناکامی انتخاب شوند؛ همان طور که ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، توانست طی چند دهه، به عنوان یک قدرت اقتصادی در سطح جهان ظهور کند و فاتحان پیشین را به رقابت طلبد. البته این پدیده مستلزم پیامدهایی است که به پیروزی یا شکست چندان ارتباط ندارد و هر جامعه درگیر جنگ ناچار از مواجهه با آنهاست. برای نمونه، جنگ دخالت دولت را در عرصه اقتصاد بیشتر می‌کند، ترکیب جمعیتی بخش‌های مختلف را بر هم می‌زند، عده‌ای را از نظر جانی و مالی آسیب می‌رساند و... طبیعی است که این تحولات برآمده از جنگ، زنجیره‌ای از تحولات ریز و درشت دیگر را به دنبال دارند که مسیر حرکت جامعه غالب و مغلوب را تا سال‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند.

مسئله بازگشت سربازان و رزمندگان به شهرها یکی از مهم‌ترین پیامدها برای هر جامعه جنگ‌زده، در همان دوره جنگ و به طور آشکارتر از زمان پایان جنگ است. روشن است که سربازان و داوطلبان - که بیشتر جوان نیز هستند - در مدت حضور در میدان‌های نبرد، به شیوه‌های خاصی زندگی می‌کنند و با مشکلات متعددی درگیرند. به عبارت دیگر، آنان تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند ایدئولوژی حاکم بر جامعه، اقتضائات سنی و از همه مهم‌تر، شرایط جنگی به شکل خاصی دنیا را می‌نگرند. همین امر سبب شکل دهی روش ویژه آنان برای مواجهه با زندگی و مسائل و مشکلاتش می‌شود. از این دیدگاه، مفهوم مرگ جایگاه ویژه‌ای دارد. در این جا، می‌توان از تعبیر گیدنز یاد کرد که می‌گوید: «در جنگ، افراد می‌باید برای کشتن تربیت شوند.» [۲] البته باید کشته شدن (شهادت) را هم به جمله وی

[ صفحه ۹۵ ]

افزود. به عبارت دیگر، شرایط جنگی موجب شکل‌گیری وضعیتی به نام روزمره شدن مرگ می‌شود، یعنی مقوله مرگ برای سربازان و حتی افراد پشت جبهه، به دلیل برخورد مداوم با خطرات و مشاهده مستمر کشته شدگان و مجروحان حالت عادی و روزمره به خود می‌گیرد و با زندگی آنان آمیخته می‌شود. برخورد با خطر برای جنگاوران و داوطلبان جوان هیجان آور است و جذابیت دارد. از این رو، ممکن است آنان خود، به استقبال حوادث و خطرات بروند و بخواهند از این طریق، دنیای ناشناخته خطر را کشف کنند، اما تبعات استقبال از خطرات و برخورد مداوم با مرگ در همین حد نمی‌ماند. در یک دوره بلند مدت، این وضعیت روانی غالباً به صورت مرگ اندیشی درمی‌آید، یعنی نهادینه شدن مفهوم مرگ در زندگی افراد و ناتوانی یا حتی میل آنان به تفکیک دوباره این دو؛ بنابراین، آنان در برخورد با هر پدیده‌ای، ناخودآگاه و هم زمان، از دو زاویه و دو سطح با آن برخورد می‌کنند. نتیجه این حالت معمولاً به ریشخند گرفتن زندگی عادی، بی‌قیدی و حتی تلخ اندیشی و نگاه بدبینانه به زندگی است. وضعیت توصیف شده چه به یأس و رخوت ختم شود و چه نوعی سرخوشی سطحی را به دنبال آورد، فاقد عنصر جدیت است.

حالت مرگ اندیشی و تبعات آن در میان جوامعی که در جنگ شکست خورده‌اند یا احساس ناکامی و ناتوانی می‌کنند، به خوبی قابل مشاهده است. چنین روحیه‌ای در طول زمان و با برنامه ریزی دقیق فرهنگی - اجتماعی قابل کنترل و کاهش است. هم چنین، ممکن است که عرصه‌های دیگری برای پیشرفت تعریف شوند، هم چنان که پیش از این نمونه ژاپن مثال زده شد. مشکل اساسی آن جاست که این وضعیت ناخوشایند ادامه یابد، یا به تعبیری، منجمد شود. عمق یافتن مرگ اندیشی و نهادینه شدن روحیه تسلیم یا بی‌قیدی می‌تواند مانعی در مسیر هر نوع بازسازی باشد. پدیده روزمره شدن مرگ را می‌توان در سربازان جوامع پیروزمند نیز مشاهده کرد. البته، در نبود عوامل مساعد و تکمیلی، بعید به نظر می‌رسد که این پدیده به مرگ اندیشی همچون روحیه حاکم بر جوامعی که شکست خورده‌اند یا احساس عدم موفقیت می‌کنند، منتهی شود.

بدین ترتیب، تا این جا می‌توانیم از دو منطق زندگی، یا با تسامح، از دو هویت سخن بگوییم که یکی در زمان جنگ شکل می‌گیرد و صبر، از خودگذشتگی، ساده شدن مسائل، فراموشی موقت مشکلات و اختلافات و روزمره شدن مرگ از جمله عناصر و ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. البته باید یادآور شد که شکل گیری این هویت به جنگ و شرایط ناشی از آن مدیون است. هویت دیگر که تا اندازه‌ای از نتیجه جنگ و تا حدی از خود جنگ و الزامات آن متأثر است، به تدریج، پس از پایان درگیری‌ها شکل می‌گیرد، حال هر چه جامعه از دوره جنگ دورتر می‌شود، با منطق دوره آرامش - با تمامی مختصات و ویژگی‌های آن - بیشتر خو می‌گیرد. به عبارت دیگر، فاصله زمانی موجب می‌شود که هویت دوره جدید تثبیت شود و حوادث و وقایع جنگ به صورت خاطراتی تلخ و شیرین درآید.

در این زمان، با توجه به آرامش ناشی از عدم وجود خطری بیرونی و اولویت یافتن بازسازی‌ها و نوسازی‌ها، معمولاً- فردگرایی شدیدی در جامعه حاکم می‌شود و پیشرفت و موفقیت فردی - به ویژه در امور اقتصادی - به منزله یک هدف درمی‌آید، در چنین شرایطی، افراد جامعه از جمله سربازان و داوطلبان زمان جنگ به دو گروه تقسیم می‌شوند: عده‌ای که به این وضعیت عادت می‌کنند و تلاش خود را بر پیشرفت بیشتر متمرکز می‌کنند و عده دیگری که از این وضعیت ناراضی و خواهان ایجاد تغییرات اند. تقسیم بندی مزبور بدان معنا نیست که افراد گروه نخست با جنگ بیگانه‌اند. در واقع، در میان آنان نیز، بسیاری را می‌توان یافت که مستقیماً در جنگ حضور داشته‌اند و از آثار آن تأثیر نیز پذیرفته‌اند، اما اینک، در چارچوب منطق جدید، رفتار می‌کنند. اثرپذیری از وضعیت جدید زمانه ممکن است ناشی از احساس خطای این افراد باشد، یعنی گمان کنند در گذشته، مرتکب اشتباه شده‌اند و اینک، باید جبران مافات کنند.

با کمک تقسیم بندی مرتن می‌توان گروه دوم (ناراضیان) را در چند زیرگروه جای داد:

(۱) عده‌ای ممکن است ضمن پذیرش اهداف، ابزارها و

[ صفحه ۹۶ ]

وسایل موجود برای دسترسی بدانها را رد کنند که در این صورت نوآوری پدید می‌آید؛ یعنی روش‌ها و وسایل جدیدی اعم از قانونی یا غیر قانونی برای پیشرفت و توفیق به کار گرفته می‌شوند.

(۲) امکان دارد عده‌ای ابزارها و وسایل موجود را بپذیرند، اما اهداف موجود را قبول نکنند. و به گروه‌ها و فرقه‌های خاص گرایش یابند و ارزش‌ها و اهداف آنها را بر ارزش‌ها و اهداف جامعه مقدم بدانند. این خرده فرهنگ‌ها ذاتاً محافظه کارند؛ زیرا راهی برای تغییر اهداف جامعه توصیه نمی‌کنند.

(۳) برخی از افراد هم ممکن است با کناره‌گیری کامل از جامعه، گوشه عزلت بگزینند. اینان ضمن امیدوار بودن به بهبود کلی



اوضاع، نه اهداف و نه وسایل دسترسی به آنها را قبول دارند.

۴) اقدام برای انجام تغییرات راه دیگری است که در صورت رد و نفی توأم اهداف و وسایل موجود رخ می‌دهد و حتی ممکن است به صورت سرکشی و شورش ظاهر شود، به شرط آن که هنجارها و ارزش‌های بدیلی مورد پذیرش باشد و برای تحقق آنها تلاش شود. [۳].

هر چه از زمان جنگ بیشتر فاصله بگیریم و اعضای جامعه بیشتر درگیر مسائل و منافع شخصی شوند، احساس گسست برای افراد مزبور بیشتر و ملموس‌تر می‌گردد. حال ممکن است عده‌ای گوشه عزلت بگیرند؛ زیرا، ضمن دل‌بستگی به دوره پیشین و ناخرسندی از وضعیت جدید جامعه، به بهبود اوضاع امید ندارند (زیر گروه سوم). این جماعت خاموش، غمگینانه ناظر دور شدن از آن وضعیت دوست داشتنی و آرمانی‌اند و خود را از انجام هر گونه اقدام مؤثر ناتوان می‌بینند. البته، تشدید روحیه ناتوانی می‌تواند به تردید و پرسش از درستی گذشته هم بینجامد که در این صورت، یا فرد به گروه نخست خواهد پیوست و رفتارش را طبق منطق جدید تنظیم خواهد کرد و رنگ هویت پس از جنگ را خواهد گرفت، یا این که دچار یأس خواهد شد. اما تعداد دیگری دست به تلاش برای تغییر وضع موجود می‌زنند؛ زیرا احساس می‌کنند که رسالت‌های احیای ارزش‌ها و هویت آن دوره و حفظ و ترویج نمادهای مربوطه را برعهده دارند و باید کاری انجام دهند. تعداد این عده مهم نیست. آنها لزوماً همان کسانی نیستند که در میدان‌های نبرد، حضور داشته‌اند؛ ممکن است از سربازان و داوطلبان گذشته باشند یا کسانی که به هر دلیلی به هویت دوره جنگ دل‌بسته‌اند. حتی ممکن است جزء نسل‌های بعدی باشند، یعنی دیرآمدگانی که می‌خواهند با احیای آن گذشته طلایی، تأخیر ناخواسته خود را جبران کنند. احساسات و

[ صفحه ۹۷ ]

اهداف مشابه و نیز غالباً پیشینه مشابه به طور طبیعی موجب گرد آمدن این افراد کنار هم می‌شود و بدین ترتیب، تدریجاً، گروه‌هایی کوچک و هم‌مدل پدید می‌آیند. پیدایش این گروه‌ها موجب می‌شود که فعالیت برای غفلت زدایی از جامعه و احیای ارزش‌ها و هویت دوره جنگ با حداقلی از تمرکز و برنامه ریزی صورت گیرد.

از این پس، تلاش این گروه‌ها معطوف به بازسازی آن آرمانشهر از طریق تزریق شرایط گذشته به زمان حال است. آنها حتی با عینک آن دوره به تحلیل شرایط جدید می‌پردازند، ضمن آن که به جذب اعضا و نیروهای جدید نیز توجه خاصی دارند. کوشش برای بازسازی فضای گذشته موجب می‌شود که ملاک‌ها و معیارهای تقسیم بندی در زمان جنگ بار دیگر به میان آید. برای نمونه، شهر و جبهه به منزله دو نمونه ایده‌آل در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند [۴] شهر چون زندان مخوف و خفقان آوری توصیف می‌شود که در فضای آن، تنفس امکان پذیر نیست و هم زمان برای سنگرهای در معنا نورانی [۵] اظهار دل‌تنگی می‌شود. پس در این جا شاهدیم که شهر - و در واقع، هویت و ارزش‌های دوره بعد از جنگ - به منزله مظهر پلیدی و انحراف توصیف و جبهه به عنوان آرمانشهر و نماد همه پاکی‌ها تلقی می‌گردد. طرح چنین توصیفاتی، یعنی آن که نمی‌توان این دو را با هم جمع کرد. از این رو تلاش گروه‌های مزبور به صورت مرحله دیگری از جنگ و مبارزه درمی‌آید.

با چنین دیدی، طبیعی است که هر گونه تلاش برای جلوگیری از انحراف موجود در جامعه یا دست کم، کند کردن آن، با فعالیت‌های دوران جنگ در جبهه‌ها مقایسه شود. در این تلاش دسته جمعی، مرثیه سرایی جایگاه ویژه‌ای دارد. این مرثیه سرایی معمولاً برای معصومیتی از دست رفته است، گویی دوره‌ای سراسر نیکی و فداکاری وجود داشته است که به دلیل خیانت عده‌ای در داخل یا خارج، از دست رفته و به پیروزی ختم نشده است. در این اظهار دل‌تنگی، بعضی از زمان‌ها، مکان‌ها، اشیاء و چهره‌ها حالت

نمادین پیدا می‌کنند. این مرثیه سرایی به اعضای گروه‌ها احساس مظلومیت و البته، انرژی تازه‌ای برای فعالیت بیشتر و عوض کردن منطق بازی در جامعه می‌بخشد.

نکته درخور توجه آن که تمامی فعالیت‌ها رنگ فرهنگی - اجتماعی دارد، اما ممکن است گروه‌هایی که اینک به صورت خرده فرهنگ منتقدی نسبت به روند کلی جامعه درآمده‌اند، به اقداماتی سیاسی دست بزنند تا منزلت اجتماعی بیشتری پیدا کنند. ورود به فاز سیاسی تغییری کیفی محسوب می‌شود و این گروه‌ها، خواه ناخواه، تحت تأثیر الزامات دنیای سیاست قرار می‌گیرند. یعنی اعضا ناچار خواهند بود که در چارچوب منطق حاکم بر سیاست، فعالیت کنند. این دگرگونی به معنای خداحافظی با دنیای آرمانی گذشته و ورود به واقع‌گرایی خاص دنیای سیاست است، هر چند ممکن است که بعضی از رفتارها و تعابیر از گذشته به یادگار بماند. از این پس، تداوم بعضی از رفتارها و تعابیر و حتی سخن گفتن از لزوم احیای هویت و ارزش‌های دوره جنگ تاکتیک‌هایی بیش تلقی نخواهند شد؛ تاکتیک‌هایی که برای رقابت و چانه زنی به کار می‌روند.

## پاورقی

[۱] اریک بوتل؛ «به سوی قرائتی نو از شهادت از منظر انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی»؛ نامه پژوهش؛ شماره ۹، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۹۲.

[۲] آنتونی گیدنز؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۷.

[۳] این تقسیم بندی در منبع زیر آمده است:

Robert K.Merton, social Theory and Social structure, Newyork: Free press, ۱۹۶۸, pp . ۲۳۰ - ۲۴۶.

[۴] بوتل در مقاله خود تقابل این دو را در زمان جنگ به خوبی نشان داده است. ر. ک.: اریک بوتل، همان، صص ۱۹۱ - ۲۰۵.

[۵] تعبیری برگرفته از: گل علی بابایی؛ نقطه رهایی؛ تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

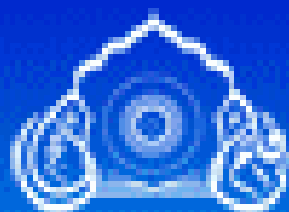
## ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

